



حج؛ عبادتی پر رمز و راز/ نگاهی به حکمت‌های اعمال زائران بیت الله

حج با مناسکی که دارد، یکی از پر رمز و رازترین عبادت‌های ما به شمار می‌رود که هر یک از اعمالی که در مناسک حج انجام می‌شود، حاوی معانی و مفاهیم باطنی است.

حج با مناسکی که دارد، یکی از پر رمز و رازترین عبادت‌های ما به شمار می‌رود که هر یک از اعمالی که در مناسک حج انجام می‌شود، حاوی معانی و مفاهیم باطنی است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: مبانی دینی ما مشحون از عباراتی است که در آن علل الشرایع و یا حکمت‌های عبادات در آن بیان شده است و هر جا از پیامبر و یا ائمه طاهرين در مورد فلسفه احکام سوال شده، آنها به تبیین این مسئله پرداخته‌اند. ما وقتی فلسفه احکام را مطرح می‌کنیم، نظر به شناخت حکمت تشریح احکام از سوی خداوند داریم و درصدد هستیم تا حکمت، مصلحت و اهداف لحاظ شده در آن احکام را مورد شناسایی قرار دهیم. مثلاً در حدیثی از حضرت زهرا (س) در مورد حکمت نماز آمده است که خداوند نماز را برای دوری از تکبر و خودبینی بر انسان‌ها واجب ساخت و یا در مورد روزه می‌فرماید خداوند روزه را برای تثبیت اخلاص بندگان خود قرار داده است. همچنین قرآن در مورد حکمت عبادتی مانند روزه می‌فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (آیه ۱۸۳ سوره بقره) خداوند در این آیه بعد از بیان وجوب روزه، فلسفه این فریضه الهی را تقوا و پرهیزگاری می‌داند. تقوا به معنای پرهیزگاری، ترسیدن از حق تعالی و دوری دل از گناه است و در پرتو این تقوا است که انسان حقیقت بین می‌شود.

یکی از عباداتی که در دین ما از اهمیت بسزایی برخوردار است مسئله حج است. حج با مناسکی که دارد، یکی از پر رمز و رازترین عبادت‌های ما به شمار می‌رود که هر یک از اعمالی که ذیل مناسک حج انجام می‌شود، حاوی مفهوم و باطنی است

یکی از عباداتی که در دین ما از اهمیت بسزایی برخوردار است مسئله حج است. حج با مناسکی که دارد، یکی از پر رمز و رازترین عبادت‌های ما به شمار می‌رود که هر یک از اعمالی که ذیل مناسک حج انجام می‌شود، حاوی مفهوم و باطنی است.

اسلام دارای مبانی و ارکانی است. یکی از این ارکان حج است. چنان که امام باقر (ع) فرمود: اسلام بر پنج پایه بنیان نهاده شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت؛ «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ». بنابراین، آن کس که عمداً حج نگذارد، رکنی از ارکان دین الهی خویش را نابود کرده و در نتیجه اسلام کامل را از بین برده است. از همین رو خداوند از ترک عمدی حج، به کفر تعبیر می‌فرماید: «وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ». از سوی دیگر در روایتی از امام صادق (ع) آمده است «وَدَّ مَنْ فِي الْقُبُورِ لَوْ أَنَّ لَهُ حَجَّةً بِالدُّنْيَا وَمَا فِيهَا» یعنی مرده ای که در گور است دوست دارد که در برابر دنیا و آنچه در آن است، او را یک حج می‌بود.

حج عبادتی است که به نوعی با دیگر عبادت‌های در ارتباط است. آیت الله جوادی آملی در کتاب صهبای حج در مورد ارتباط این فریضه الهی با دیگر عبادات می‌نویسد «خداوند درباره روزه فرمود: روزه برای من است؛ «الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أُجْزِي عَلَيْهِ»، و حج واجد روزه است؛ زیرا حج گزاری که قربانی نیابد، باید سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت، روزه بگیرد؛ «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ قَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةِ إِذَا رَجَعْتُمْ». همچنین در حج، طواف تشریح شده که خود نماز است؛ «الطَّوْفُ يَأْتِي بِصَلَاةٍ». افزون بر اینکه در نماز نیز هست؛ زیرا طواف کننده پس از طواف، پشت یا جنب مقام ابراهیم به نماز می‌ایستد؛ «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ بَا نَمَازِ كَزَارِدِنِ دَرِ أَنجَا بَه هَمَه مَزَايَايِي كَه بَرَايِ نَمَازِ اسْتِ نَائِلِ مِي شُود. اَز اَيْنِ رُو رُوَايَتِ شُدِه كَه حَجٌّ، بَرْتَرِ اَز نَمَازِ وَ رُوْزِه اسْت. هَمْچِنِين حَجِّ كَزَارِ بَه بَرَكَاتِي كَه دَر زَكَاتِ اسْت، دَسْتِ مِي يَابَد؛ زَبِرَا دَر حَجِّ، اِنْفَاقِ مَالِي وَ نَثَارِ وَ اِيثَارِ نَابُودَكُنْدِه بَخْلِ وَجُودِ دَارِد وَ حَجِّ جَانِ هَا رَا اَز اَلُودُكِي بَه بَخْلِ دَر اَمَانِ نَگاهِ مِي دَارِد وَ هَر كَسِ اَز بَخْلِ دَر اَمَانِ دَاشْتِه شُود اَز رَسْتگارانِ اسْت؛ وَ مَن يُوْفِّ شُحَّ نَفْسِيَه قَاوَلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. حَاصِلِ اَيْنَكِه، حَجِّ اَز عِبَادَاتِ گوناگونِ تَشْكِيلِ شُدِه وَ شَامِلِ فِضَائِلِ فِرَاوَانِ اَيْنِ عِبَادَاتِ اسْت.»

مناسک حج

هر یک از اماکن حج مانند منا، عرفات، حجر الاسود، کعبه، مقام ابراهیم و کعبه دارای باطنی است توجه به آن در انجام

امور حج می تواند انسان را متوجه برخی اسرار و باطن های احکام کند.

امام صادق (ع) در بیان برخی اسرار حج که ترسیم کننده چهره باطنی حج است فرمود: «… سپس با آب توبه خالصانه، گناهان خود را بشوی و جامه صدق و صفا و خشوع در بر کن و از هر آنچه که تو را از یاد خداوند مانع می شود و از اطاعت او باز می دارد، دوری کن؛ و لبیک گو، بدین معنا که خدا را پاسخی بی آلایش و پاک دادی، چنان که به ریسمان استوار او چنگ زدی؛ و به قلب خویش با کروبیان به گردش عرش طواف کن، همچون طواف خویشتن با مسلمانان بر گرد کعبه؛ و به قصد فرار از هوا و تبری از همه نیرو و توان خویش، هَرَوَله کن.

آنگاه از غفلت و لغزش های خود با رفتن به منا، برون آی و آنچه را بر تو روا و حلال نیست و سزاوار آن نیستی تمتی مکن؛ و در عرفات به خطاهای خویشتن اعتراف کن. در مزدلفه پیمان خویش را بر وحدانیت خداوند تجدید کن و به او تقرّب جو و از او پروا بدار؛ و با صعود به جبل الرحمه، با روح خویش به ملأ اعلی فرز آی؛ و به هنگام قربان کردن، گلوی هوا و آرز را بیتر؛ و به هنگام سنگ زدن به جمرات، شهوات و خساست و دنائت و زشتی را رمی کن؛ و با تراشیدن موی خویش عیب های آشکار و نهان را ببر.

سپس با ورود به حرم، از پیروی خواسته خویش در امان خداوند و حمایت و نگاهداشت و حفظ او گام نه؛ و کعبه را زیارت کن در حالی که صاحب آن را بزرگ می داری و به جلال و قدرت او آگاهی؛ و حجرالأسود را به نشان اینکه به قسمت او خشنودی و در برابر عزّت او سرافکنده ای استلام کن؛ و با طواف وداع، با هرآنچه جز اوست یدرود گوی؛ و با وقوف خویش بر کوه صفا روح خود را برای دیدار خداوند در روزی که دیدارش خواهی کرد پیراسته ساز؛ و در کوه مروه با پیراستگی از گناهان، نسبت به خداوند صاحب مرّوت باش.... بدان که خداوند حج را واجب نفرمود و از بین همه طاعات آن را با اضافه کردن به نام خویش ویژه نساخت و در خلال مناسک، سنتی برای پیامبر خود تشریح نکرد مگر برای آمادگی و اشاره به مرگ و قبر و بعثت و قیامت.»

از سوی دیگر در بیان روایات برای مناسک حج هم اسرار و فلسفه خاصی بیان شده است.

احرام

آیت الله جوادی آملی در کتاب «صهباي حج» می نویسد: احرام بستن، آن گونه که در بیان نورانی امام سجاد (ع) آمده، بدین معناست که: «خدایا! ارتباطم را از غیر تو گسستم». پس این «عقد» و پیمان بستن، گسستن از غیر خداست؛ یعنی ابتدا گسستن از غیر خدا و آنگاه پیوستن به لطف حق است.

ظهور توحید و تجلّی بالغ آن در احرام، که همراه با برهنه شدن از زینت زندگی دنیاست، همچون تمثیل حشر و معاد- که همان بازگشت به مبدأ است- در آن، امری آشکار است. از این رو بر اساس رهنمود امام سجاد (ع)، آنکه هنگام احرام بستن، از قلب نگذارند که: «خدایا! از هرچه غیر توست دست شستم و فقط به ولای تو دل بستم» در حقیقت به میقات نرفته و احرام نبسته است! البته مراد نفی کمال است، نه نفی صحت.

کندن لباس دوخته، به هنگام احرام، به معنای بیرون آمدن از «جامه گناه» است. چنان که پوشیدن لباس احرام که لباسی ندوخته، رنگ نگرفته، حلال و پاک است به معنای دربر کردن «لباس طاعت» است

کندن لباس دوخته، به هنگام احرام، به معنای بیرون آمدن از «جامه گناه» است. چنان که پوشیدن لباس احرام که لباسی ندوخته، رنگ نگرفته، حلال و پاک است به معنای دربر کردن «لباس طاعت» است.

سرّ دیگر دربر کردن آن جامه مخصوص، تذکر به روزی است که انسان با لباس ندوخته وارد آن می شود و آن روزمرگ است که کفن دربر می کند. بدین گونه در مناسک و مراسم حج، برخی اسرار قیامت متجلّی شده و سفر مرگ و حضور در صحنه قیامت در نظر افراد مجسم می شود.

طواف

روایات طواف را به منزله نماز خوانده اند و از این حیث آیت الله جوادی آملی در کتاب خود می نویسد: یکی از ارکان مهم

حَجَّ و یکی از نشانه های تجسم توحید در حج، طواف است؛ زیرا طواف بر گرد کعبه گرچه به منزله نماز است؛ الطَّوَافُ بِالْبَيْتِ صَلَاةٌ، لیکن آن عبادت ویژه ای است که فَأَيْتَمَا تَوَلَّوْا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ، در آن متجلی می شود، بر خلاف نمازی که امر الهی وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ قَوْلٍ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، در آن متحتم می شود. کعبه تنزل و تمثیل عرش و در محاذات بیت معمور و عرش خدا واقع است. پس اگر کسی به گونه ای شایسته، کعبه را طواف کند به بیت معمور در عالم مثال صعود می کند و چنانچه وظایف آن مرحله را هم ایفا کرد، به مقام عرش اله بار می یابد. بالاتر از این، مقام عترت طاهرین (علیهم السلام) است که حقیقت کعبه به آنها فخر می کند؛ زیرا آنان بر محور «سبحان الله» و «الحمد لله» و «لا اله الا الله» و «الله أكبر» طواف و عبادت می کنند.

خدای سبحان برای اینکه انسان فرشته خو شده و آثار فرشتگان در او ظاهر شود، همان طور که با دستور روزه گرفتن از انسان ها می خواهد تا همان فرشتگان، از کارهای حیوانی حذر کنند، همچنین با قرار دادن کعبه در زمین که محاذی بیت معمور و تمثیل عرش خداوند است، به انسان ها امر کرد تا بر گرد آن طواف کرده و نام حق را زمزمه کنند و برای خود و دیگران از خدا آمرزش بخواهند و این گونه به ملائکه عرش الهی اقتدا کرده و بدانان شباهت پیدا کنند؛ زیرا فرشتگان، به ویژه پس از آزمونی که برای آنان در صحنه خلقت آدم (ع) و سجده برای او پیش آمد، بر گرد عرش حق را تسبیح و برای مؤمنان طلب آمرزش می کنند.

نماز طواف

از دیگر اعمالی که در مراحل انجام فرضیه حج، انجام می شود نماز طواف است. نماز طواف باید کنار یا پشت مقام ابراهیم خوانده شود و نباید جلوتر از آن باشد. آیت الله جوادی آملی در این باره می نویسد «ظاهر نماز طواف این است که انسان در مکانی که ابراهیم (ع) ایستاده، به نماز ایستد و «باطن» آن این است که مکانت خلیل حق را دریابد و در آن مکانت مستقر شده، نماز چون نماز حضرت ابراهیم بگزارد و همان گونه که از بیان نورانی امام سجاد (ع) استفاده می شود؛ اکنون که به جایگاه ابراهیم خلیل قدم گذاشته، باید با هر طاعتی آشنایی برقرار کرده و از هر معصیتی، ابراز انزجار کند.

کسی که با معرفت به اسرار عبادت، عمره یا حج می گزارد قدم جای قدم انبیا و ائمه (علیهم السلام) می گذارد و با توجه به سوال امام سجاد (ع) از شبلی که «آیا در مقام ابراهیم، ابراهیم گونه نماز خواندی و بینی شیطان را به خاک مالیدی؟ آنگاه که به مقام ابراهیم می رسد در مکانت ابراهیم (ع) ایستاده و ابراهیم گونه نماز می گزارد و بینی شیطان را به خاک می مالد. اما کسی که در حال نماز، خلوص و خضوع و حضور قلب ندارد و گرفتار دسائس و وساوس و سیاست بازی ها و مانند آن است، در جای ابراهیم (ع) نایستاده است. او طعمه شیطان است و شیطان بینی او را به خاک مالیده است.

سعی بین صفا و مروه

یکی از مناسک حج و عمره، سعی بین صفا و مروه است. سعی، هروله ای مخصوص، مِنْ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ و فراز و هجرت و پناه گرفتن از خدا به سوی خدا و پناهندگی به او از اوست. آیت الله جوادی آملی می نویسد: سعی بین صفا و مروه، به سوی حق دویدن است؛ چنان که تردد بین آن دو کوه به معنای بودن در حالت ممدوح بین خوف و رجاست. مؤمن همواره بین خوف و رجا به سر می برد، اگرچه شدت و ضعف آن دو در مقاطع مختلف زندگی او، متفاوت است و این سرّ در سعی بین صفا و مروه جلوه گر است.

سعی حج گزار و معتمر آنگاه که رو به جانب صفا دارد این است که خود را تصفیه کرده و از صفای الهی برخوردار شود و وقتی به سوی مروه می رود، سعی می کند تا مروّت و مردانگی به دست آورد

سعی حج گزار و معتمر آنگاه که رو به جانب صفا دارد این است که خود را تصفیه کرده و از صفای الهی برخوردار شود و وقتی به سوی مروه می رود، سعی می کند تا مروّت و مردانگی به دست آورد؛ زیرا «مروه» رمز مروّت و مردانگی، و «صفا» نشان تصفیه و تهذیب روح است. چنان که امام صادق (ع) فرمود: «وَأَصْفُ رُوحَكَ وَسِرِّكَ لِقَاءَ اللَّهِ يَوْمَ تَلْقَاهُ يَوْمُوكَ عَلَى الصَّفا وَكُنْ دَامِرُوكَ مِنَ اللَّهِ تَقِيًّا أَوْصَافَكَ عِنْدَ الْمَرْوَةِ.

اصل و منشأ تشریح این رفت و آمد آن است که، هاجر به امید یافتن آب برای نوزاد خود، هفت بار از کوه صفا به مروه و از مروه به صفا آمد، لیکن سرّ سعی، همان گونه که بیان شد، نیل به صفا و باریافتن به مروّت و مردانگی است. بنابراین، حج گزار و معتمرواقف و نائل به سرّ سعی، دیگر چنان جوانمردان به سوی کار ذلیلانه دست دراز نمی کند.

یکی از مناسک و اعمال واجب در حج و عمره، تقصیر است، حَلَق یا تَقْصِير در اثنای احرام بر مُحْرَم حرام است ولی در بخش پایانی آن واجب است و با انجام آن بسیاری از امور هک بر وی حرام بود حلال می شود. حلق و تقصیر در مناسک حج مانند تسلیم در نماز است که تسلیم ابتدایی و عمدی در اثنای نماز حرام، ولی در پایان نماز واجب است و با تحقق آن شخص نمازگزار از حالت نماز خارج می شود و اموری که در نماز بر او حرام با با تسلیم خاص بر او حلال می شود.

وقوف در عرفات

اولین مرحله از مناسک حج تمتع بعد از احرام آن، وقوف در سرزمین عرفات در نیمه دوم روز عرفه، یعنی نهم ذی حجه است؛ آن سان که خداوند مناسک حج را به حضرت ابراهیم (ع) نمایاند و تعلیم داد و همان حج ابراهیمی را به رسول اکرم آموخت.

در اهمیت عرفه همین بس که امام صادق (ع) فرمود: «مَنْ لَمْ يُعْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُعْفَرْ لَهُ إِلَى قَائِلٍ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ» اگر ماه مبارک رمضان بر کسی گذشت و او آمرزیده نشد، تا ماه مبارک آینده به آمرزش او امیدی نیست مگر آنکه عرفه را با شرایط آن ادراک کند.

آیت الله جوادی آملی می نویسد: امیرمؤمنان امام علی (ع) درباره راز وقوف در عرفات فرمود: عرفات خارج از مرز حرم است و مهمان خدا باید بیرون دروازه، آنقدر تضرع کند تا لایق ورود حرم شود. از این رو شب و روز عرفه دعاهای مخصوص دارد که جزو فضائل برجسته و وظایف مهم روز عرفه است.

حج گزار با وقوف در عرفات باید به معارف و علوم دینی واقف شده و از اسرار الهی نظام آفرینش باخبر شود و بداند که خدای سبحان به همه نیازهای او واقف و بر رفع همه آنها تواناست. از این رو امام سجاد (ع) به سائلی که در روز عرفه گدایی می کرد، فرمود: وای بر تو! آیا در چنین روزی، دست نیاز به سوی غیرخدا دراز می کنی؛ در چنین روزی برای کودکان در رحم امید سعادت می رود.

حج گزار باید در آنجا بر این نکته عارف شود که خداوند به نهان و آشکار او و حتی آنچه برای خود او روشن نیست و به طور ناخودآگاه در زوایای روح او می گذرد آگاه است. انسان اگر بداند که قلب او در مشهد و محضر حق است

حج گزار باید در آنجا بر این نکته عارف شود که خداوند به نهان و آشکار او و حتی آنچه برای خود او روشن نیست و به طور ناخودآگاه در زوایای روح او می گذرد آگاه است. انسان اگر بداند که قلب او در مشهد و محضر حق است همان طور که خود را به گناهان جوارحی نمی آلاید گناه جوانحی نیز نمی کند و قلب خود را از خاطرات آلوده تنزیه می کند.

حج موافق و مناسکی دارد که هریک با خصوصیتی همراه است که در دیگری نیست یا اندک است. از همین رو، و نیز به قرینه حدیث شریف نبوی «الْحَجُّ عَرَقَةٌ» بعید نیست در عرفات معرفتی پدید آید که آن معرفت در مورد دیگر یافت نمی شود. حج به سبب همین آگاهی خاص که جز در عرفات یافت نمی شود سبب تعالی و نیل انسان به اوج قلّه عالم امکان، یعنی «خَلْق عَظِيم» است.

مشعر الحرام

به فرمان خدای سبحان حج گزاران پس از غروب آفتاب روز نهم ذی حجه از سرزمین عرفات به سوی مشعرالحرام حرکت کرده و شب را در آنجا سپری می کنند. وقوف در مشعر، همچون وقوف در عرفات از ارکان حج است. آیت الله جوادی آملی می نویسد: در این فرصت، زائران پاسی از شب را به جمع آوری سنگریزه برای رمی جمرات می گذرانند. راز وقوف و بیتوته در مشعرالحرام این است که، حج گزار قلب خود را با شعار تقوا آگاه کرده، تقوا و خوف از خداوند را شعار دل خود قرار دهد. تا قلب او با تقوا شناخته شود؛ که شعار هر قومی معرفت آن قوم است. بنابراین، اگرچه تقوا در همه مناسک حج مطرح است لیکن تجلی ویژه آن هنگام وقوف در مشعرالحرام، مشهود واقفان بر اسرار است.

پس از طلوع آفتاب روز دهم ذی حجه، حج گزار که شب را در کوچ از عرفات به مشعر و وقوف در مشعر سپری کرده اند، به منا می آیند تا اعمال خاص آن سرزمین را به جا آورند. منا سرزمین «نیل به تمنّیات صادق» است، نه امانی کاذب و آرزوهای باطل و نه سرزمین تمنّی ناروا. مردم باید از دست و دل حج گزار آسوده باشند. به این معنا که نه با جدّ و نه با شوخی، به بهانه طنزگویی و طنزنویسی آبروی کسی را نبرد. مردم نه تنها از دست و زبان حج گزار در امان اند، بلکه قلب او نیز به کسی آسیب نمی رساند.

صدمه و آسیب قلبی آن است که انسان کینه کسی را در دل داشته باشد یا نسبت به کسی حسادت ورزیده و بدخواه او باشد. امام سجاد (ع) در پاسخ به فردی که خدمت امام عرض کرد ما در مورد گذشتگانمان در منا با هم سخن می گوئیم، فرمود: راه بهتر برای کسب ثواب بیشتر و ادای شایسته تر حقوق گذشتگانتان، شهادت به وحدانیت حقّ و رسالت رسول خدا و ولایت و خلافت و امامت امامان معصوم (علیهم السلام) است. شایسته است زائران بیت الله الحرام هنگام بیتوته در منا درباره این اصول و معارف بحث کنند؛ زیرا شب های منا شب درس است، نه هنگام تشکیل محفل انس. آن که درباره توحید و رسالت و ولایت و مانند آن سخن بگوید، هم به فضیلتی علمی و معنوی نائل شده و هم حق نیاکان خود را بهتر ادا کرده است؛ زیرا پیام نیاکان او نیز این است که هر کار خیری که از ما سر زده به توفیق و امداد الهی بوده است.

رمی جمرات

بیان قرآن درباره جلوه گاه تبرّی، یعنی رمی جمرات، این است که سنگریزه ها شیطان را رجم و طرد نمی کند بلکه این انزجار درونی شماست که شیاطین انس و جن را می راند و شما را از هر شیطنت درونی و بیرونی محافظت می کند.

در مورد رمی جمرات باید توجه داشت که نه آن جمره، شیطان است و نه این سنگ زدن رمی شیطان؛ زیرا رمی جمرات در زمان جاهلیت نیز مرسوم بود؛ چنان که در این زمان هم گاهی برخی شیاطین انسی این رمی را انجام می دهد. بدیهی است که شیطان هرگز با هفت سنگ طرد نمی شود. تنها راه طرد شیطان و درامان ماندن از آسیب های او استعاده عملی و به حصن الهی پناهنده شدن است؛ *وَإِذَا يَنْزَعْتِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ تَزَعْ قَاسْتَعِدُّ يَاللّٰهَ*. سنگ زدن به جمره ها رمز و نشانه ای از رمی دیو درون و بیرون و راندن شیاطین جنّی و انسی است. پس اگر کسی خود جزو شیاطین انسی بود هرگز قدرت و لیاقت تبرّی و رمی حقیقی را ندارد؛ چنان که اگر شیطان همنشین کسی شد، او نمی تواند همراه خود، یعنی شیطان را رمی کند.

قربانی

حکمت انجام قربانی، تقرب و تعالی قربانی کننده و تقوای او به خداست؛ زیرا آنچه به خدا می رسد، باطن و روح عمل است. بنابراین، قربانی آنگاه مقبول است که با تقوا انجام گیرد و روح این عمل تقوا باشد.

سرّ قربانی این است که حج گزار و قربانی کننده با تمسک به حقیقت ورع، گلوی دیو طمع را بریده و او را بکشد. بنابراین، صرف دَبْحِ گاو و گوسفند یا تَحْر شتر و رها کردن آن بدون توجه به سرّ قربانی، مایه تعالی حج گزار نیست.

آیت الله جوادی آملی می نویسد: سرّ قربانی این است که حج گزار و قربانی کننده با تمسک به حقیقت ورع، گلوی دیو طمع را بریده و او را بکشد. بنابراین، صرف دَبْحِ گاو و گوسفند یا تَحْر شتر و رها کردن آن بدون توجه به سرّ قربانی، مایه تعالی حج گزار نیست.

امام باقر (ع) فرمود: خدای سبحان قربانی کردن را دوست دارد؛ *«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ إِطْعَامَ الطَّعَامِ وَإِرَاقَةَ الدِّمَاءِ»*. ممکن است یکی از حکمت های آن بهره مندی گرسنگان و محرومان از گوشت قربانی باشد. گرچه در این زمان از این سنت الهی و برنامه جامع و سودمند، بهره برداری صحیح و مطلوب نمی شود.

تراشیدن موی سر

موی سر تأثیری به سزا در زیبایی ظاهری انسان و به ویژه جوانان دارد. از این رو به ندرت کسی حاضر است موی سر خود را بتراشد. همچنین بر کسی که موی دیگری را به اجبار تراشیده و این زیبایی را از او گرفته، پرداخت دیه واجب است. با این همه، مرد حج گزار از این جمال ظاهری و صوری که در نظر او ارزشمند نیز هست دل بریده و با فرمان وحی در پای جمیل محض و رضای او نثار می کند.

تراشیدن موی سر در منا، نشانی از پاک شدن از آلودگی های اخلاقی و زدودن زنگارهای روح و بیرون آمدن از سنگینی و تاریکی گناهان است. شاید براساس همین نکته است که حج گزار به هنگام حلق از خدای تعالی می خواهد که برابر هر تار مویی، در قیامت نوری به وی عطا کند؛ «اللَّهُمَّ أَعْطِنِي يَكُلَّ شَعْرَهُ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

جمع بندی

هر یک از مناسک حج دارای حکمتی است که تدبر در آن می تواند گوشه ای از باطن و حقیقت این مناسک را برای ما روشن سازد. اگرچه شاید این حکمت هایی که بنا بر روایات و بنا بر عقل آدمی برای انسان به دست می آید، یکی از وجوه حکمت های این عبادات باشد و همه آن نباشد. ولی تأمل در مورد این حکمت ها در حضور قلب انسان و هدف دار شدن عبادت های ما مؤثر خواهد بود.